

نقش و جایگاه آموزش زنان در فرآیند بازآفرینی شهری بافت‌های تاریخی^۱

مطالعه موردی: محله سنگ‌سیاه در بافت تاریخی شیراز

احد نژاد ابراهیمی^۲ - دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.
نسترن نژاداغی - پژوهشگر دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۴

چکیده

در چند سال اخیر رویکرد بازآفرینی شهری با هدف در نظر گرفتن ارزش‌های مختلف و متفاوت بافت‌های تاریخی، مناسب‌ترین راه برای مداخله در آنها شناخته شده است. ابزار و موارد مختلف کالبدی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در این مداخله مورد تأکید قرار گرفته‌اند اما مؤلفه‌ای که به نظر می‌رسد کمتر در این میان مورد مباحثه قرار می‌گیرد، آموزش در سطوح و شکل‌های مختلف در بازآفرینی شهری است. در پژوهش حاضر که با هدف تعیین میزان تأثیرگذاری آموزش بر رسیدن به دستاوردهای بازآفرینی شهری انجام شده است، در ابتدا نظریات متخصصان در مقوله مورد مطالعه با استفاده از تکنیک دلفی گردآوری شده و پس از حصول اتفاق نظر در خصوص وجود تأثیر مثبت آموزش به ساکنان، با هدف سنجش دیدگاه‌های ساکنان، به عنوان نمونه موردی جامعه بانوان ساکن در محله سنگ‌سیاه در بافت تاریخی شهر شیراز انتخاب گردیده‌اند. این تحقیق از نوع تحقیق‌های کاربردی است و به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته و گردآوری داده‌ها به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه بانوان ساکن در محدوده محله سنگ‌سیاه شیراز می‌باشند تا به این پرسش پاسخ داده شود که ارائه آموزش‌هایی در قالب فرهنگ شهروندی، حفاظت از میراث، مهارت‌آموزی شغلی و حفاظت از محیط زیست تا چه حد می‌تواند باعث موفقیت در اجرای برنامه‌های بازآفرینی شهری شود؟ ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل برداشت میدانی، پرسشنامه، مصاحبه و مطالعات اسنادی بوده و نهایتاً با استفاده از آزمون‌های تی و تحلیل واریانس یک‌طرفه، میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌ها بررسی گردیده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری میان آموزش به ساکنان و فرآیند بازآفرینی شهری وجود دارد و مشخصاً تأثیرگذارترین آموزش‌ها به بانوان ساکن در محدوده مورد مطالعه به ترتیب اولویت شامل آموزش‌های مرتبط با مسائل زیست محیطی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی است.

واژگان کلیدی: بازآفرینی شهری، آموزش زنان، بافت تاریخی شیراز، محله سنگ‌سیاه.

۱۷

شماره بیست و چهارم

پائیز ۱۳۹۶

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهری

نقش و جایگاه آموزش زنان در فرآیند بازآفرینی شهری بافت‌های تاریخی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری شهرسازی اسلامی با موضوع "بازآفرینی شهری اجتماع محور از طریق آموزش مبتنی بر اندیشه اسلامی در بافت تاریخی محله سرخاب تبریز" است که با راهنمایی احد نژاد ابراهیمی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

۱. مقدمه

سیاست بازآفرینی شهری، رویکرد جدیدی در روند سیر تحول نوسازی بافت‌های مسئله‌دار شهری است که در دهه‌های پایانی قرن بیستم میلادی و ابتدایی قرن حاضر از سوی مراجع علمی، حرفه‌ای و اجرایی در اروپای غربی و آمریکای شمالی مورد توجه و تحلیل واقع شده است. از جمله ویژگی‌ها و نقاط قوت جریان بازآفرینی شهری، نسبت به رویکردهای قبلی نوسازی می‌توان به جامع‌نگری آن اشاره کرد (Porter & Shaw, 2009). رویکردهای پیشین بهسازی، نوسازی و بازسازی، بر دیدگاه‌های کالبدی و یا صرفاً اقتصادی تکیه داشته که این امر نتیجه‌ای جز عدم موفقیت بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌های نوسازی بافت‌های فرسوده شهری را نداشته است (Diamond, et al, 2010:15). اجرای پروژه‌های کالبدی در فرآیند بازآفرینی شهری نقش بسزایی دارند چرا که منجر به ارتقای کیفیت زندگی می‌شوند و نتیجتاً باعث رشد ارزش افزوده املاک خواهند شد، اما توجه به مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به صورت توأمان در کنار رویکرد احیای کالبدی، مهم‌ترین تفاوت رویکرد متأخر بازآفرینی شهری با رویکردهای پیشین می‌باشد (Doyle, 2005). در فرآیند بازآفرینی شهری توجه به این نکته ضروری است که «توسعه اجتماع» توانمندی را به مثابه یک راهبرد ویژه طلب می‌کند (Friedman, 1992). مقامات محلی و بخش خصوصی نقش مهمی در توانمندسازی مردم و داشتن انتخاب‌های آگاهانه در ارتباط با آینده بازی می‌کنند (Rogers, 1993). توسعه اجتماع منجر به بروز مشارکت اجتماعی خواهد شد که نهایتاً باعث پیشبرد اهداف بازآفرینی شهری می‌شود (Habibi & et al, 2007). این امر در تمامی بخش‌های مدیریت شهری، در جامعه‌ای چندگانه به لحاظ سنی، قومی و نژادی اهمیت بیشتری می‌یابد (Rodwell, 2007:226). اگر مرکز تاریخی شهرها رشدی هماهنگ با میراث فرهنگی ملموس و ناملموس داشته باشد، بیشترین بهره از آن برده می‌شود تا این که مرکز تاریخی تحت فشارهای مخرب برای توسعه مجدد قرار گیرد (Rodwell, 2007:234). بدین ترتیب در فرآیند بازآفرینی شهری، توجه به اقتصاد محلی در بازار رقابت جذب سرمایه همچنین توجه به داشته‌های میراث فرهنگی ملموس و ناملموس و در نهایت اجتماع توانمند شده برای مشارکت در امر بازآفرینی، از اهم مسائل برنامه‌ریزی و مدیریت شهری می‌باشند (Roberts & Sykes, 2000:135). بازآفرینی شهری پایدار برای اجرایی شدن نیاز به ظرفیت‌سازی محلی دارد. در این خصوص آنچه در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته، ارزیابی میزان تأثیرگذاری آموزش به بانوان ساکن در بافت تاریخی در اجرایی شدن برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار در این محدوده‌هاست. بنابراین در این راستا پژوهش حاضر به دنبال تأیید یا رد فرضیه وجود رابطه معنادار بین ارائه آموزش‌های فرهنگ شهروندی، شناسایی ارزش‌های بافت تاریخی، مهارت‌آموزی و حفاظت از محیط زیست از یک سو، با کالبد حفاظت شده، اجتماع مشارکت‌جو، اقتصاد فرهنگی خلاق و محیط زیست‌عاری از آلودگی از سوی دیگر بوده است. این پژوهش با فرض این که آموزش به بانوان ساکن در محله‌های تاریخی منجر

به اجرایی شدن برنامه‌های بازآفرینی شهری خواهد شد، در پی پاسخگویی به این دو پرسش است که «میزان تأثیرگذاری آموزش به زنان ساکن در محلات هدف در فرآیند بازآفرینی شهری چقدر است و بر کدام یک از مؤلفه‌های بازآفرینی شهری تأثیر بیشتری دارد؟».

۲. چارچوب نظری

۲.۱. تبیین نقش آموزش در فرآیند بازآفرینی شهری در بافت‌های تاریخی

«بازآفرینی» هرگونه حرکتی را در راه مبارزه با کهنگی و ناکارآمدی شهرها شامل می‌شود و تلاشی است برای بهبود شرایط اجتماعی و محیطی. در این راه، هر اقدامی در راستای توسعه، توسعه مجدد و ارتقا می‌تواند مطرح باشد (Hull City Plan, 2000). بازآفرینی شهری، طیف وسیعی از ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی را در بر می‌گیرد. تعامل مداوم میان این ملاحظات، به راهکارهایی برای بازآفرینی شهری می‌انجامد. از جمله این راهکارها «توسعه پایدار شهری»، «حفاظت از میراث»، «مشارکت و آموزش» و «گردشگری فرهنگی» می‌باشند (Pourahmad & et al, 2010:89). در این میان آنچه ضامن پایداری اقدامات بازآفرینی شهری خواهد بود، همانا مشارکت ساکنان در این فرآیند است که این مقوله نیازمند آموزش و آگاهی است؛ از طریق «کشف مجدد اجتماع محلی» و نوعی مشارکت جدید که نه تنها شامل شراکت بخش خصوصی و دولتی باشد بلکه سازمان‌های داوطلب و مردم را شامل گردد (Ng, M.K., 2005). رویکردهای اصلی ارائه شده در فرآیند بازآفرینی شهری به عقیده نظریه‌پردازان شامل فرهنگ، محیط زیست، اقتصاد، اجتماع، طراحی و قانون می‌باشد (Senkova, 2001) که با توجه به زیرمجموعه‌های ارائه شده برای هر یک، رویکرد آموزش‌مبنا، ذیل رویکردهای فرهنگ و اجتماع (Lotfi, 2011:48) گنجانده شده است.

علاوه بر دو رویکرد فرهنگی و اجتماعی در بازآفرینی، به دلیل قرابت رویکرد اقتصادی با رویکرد فرهنگی، نقش بنیادین آموزش در فعالیت‌های اقتصادی محلی، درآمدزایی ساکنان و به تبع آن تبیین میزان مشارکت و نقش گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع، بسیار حائز اهمیت است (Bianchini, 2007). در واقع بایستی در فرآیند بازآفرینی شهری، بنا به نظریات ارائه شده در توالی و فرآیند اجرای طرح، پس از مرحله تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار موجود، اقدام به آموزش و ارائه آگاهی شود.

رابرتز و سایک الگویی را ارائه می‌کنند که مراحل بازآفرینی شهری را تبیین می‌کند. در این الگوسه اقدام اولیه برای تحلیل وضع موجود منطقه مورد نیاز است؛ تحلیل اقتصادی، اجتماعی و محیطی. این تحلیل‌ها، اطلاعات ورودی‌ای را در اختیار قرار می‌دهند که در سه بخش باید تهیه شوند: هادیان خارجی تغییر، برنامه کاربردی یک منطقه شهری منفرد و هادیان داخلی تغییر. خروجی این داده‌ها و در حقیقت نتایج فرآیند بازآفرینی یعنی راهبردهای محلی، «آموزش و آگاهی»، بهبود شرایط کالبدی، توسعه اقتصادی، کنش‌ها و

اقدامات محیطی هستند.

از آنجایی که بدون پشتوانه قانونی نمی‌توان به هیچ یک از اهداف از پیش برشمرده شده نائل شد، تسهیل در امر مشارکت مردمی از طریق تدوین قوانین مورد نیاز محلی و ملی، امری ضروری و بدیهی است (Mouffe, 1992; Isin & Ternier, 2002). مهم‌ترین زمینه‌های اجتماعی در قوانین و مقررات مربوط به مشارکت در بازآفرینی شهری شامل آموزش، ایجاد نهادهای اجتماعی توسعه محلی و ایجاد فرآیندهای مردم سالاری هستند (Nourian & Aryana, 2012). بازآفرینی شهری برای رسیدن به اهداف اقتصادی، زیست محیطی و حتی کالبدی خود ناگزیر به تأمین شرایط تحقق اهداف اجتماعی است (Roberts, 2000). مؤلفه‌های توسعه اجتماعی به وسیله میزان مشارکت مردمی سنجیده می‌شوند و این نقطه‌ای است که نیاز به حمایت قانونی پدیدار می‌گردد و این مشارکت چارچوبی حقوقی می‌طلبد (Andre et al, 2012). بدین ترتیب آموزش در فرآیند تبیین و اجرای قوانین مرتبط با موضوع نیز اهمیت می‌یابد. براساس جمع‌بست تحلیلی از دیدگاه‌های موجود شامل نظریات رابرتز، شنکو و راجرز در تبیین مؤلفه‌های بازآفرینی شهری پایدار، چهار مؤلفه مشخص می‌گردند که عبارتند از بعد اقتصادی، بعد اجتماعی، بعد کالبدی و بعد زیست محیطی (Bahreyni & et, 2014: 17).

در خصوص تبیین رابطه آموزش با بازآفرینی شهری می‌توان به نقش آموزش در توسعه پایدار (Roberts, 2000; Senkova, 2001)، نقش آموزش در حساس‌سازی ساکنان به محیط زیست (Molaie & Rezaie, 2011)، نقش آموزش در همبستگی اجتماعی (Doyle, 2005)، دسترسی به آموزش به مثابه شاخص کیفیت زندگی (Andre et al, 2012)، آموزش حقوق و تکالیف شهروندی (Heater, 2002; Mouffe, 1992; Isin & Ternier, 2002)، آموزش زمینه‌ساز مشارکت اجتماعی (Friedman, 1992)، آموزش به مهاجران برای تطبیق با محیط (Klein & Ninacs, 2008)، آموزش‌های پایداری و زیست محیطی (Laurin, 2005)، آموزش‌های مهارت‌آموزی، اشتغال‌زایی و کارآفرینی و رسیدن به فعالیت در صنایع خلاق (Bianchini, 1999) اشاره کرد.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که رابطه بین بازآفرینی شهری و آموزش، در دو سطح ذی نفعان و ذی نفوذان تأثیرگذار است و منجر به جلب مشارکت ساکنان و در نتیجه پایداری بازآفرینی شهری خواهد شد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی و از حیث پرداختن به مسئله از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات، بررسی‌های پیمایشی و مطالعات اسنادی می‌باشد. در پژوهش حاضر در ابتدا برای تعیین نقش آموزش در بازآفرینی شهری، مرور اسنادی صورت پذیرفته و پس از تعیین سه حیطه ارتباط آموزش با بازآفرینی، با هدف تعیین رویکرد مناسب برای مداخله در بافت تاریخی شیواز مرتبط با موضوع آموزش، در این

پژوهش اقدام به دریافت دیدگاه متخصصان و ذی‌نفعان به روش دلفی شده است. در این مرحله در ترکیب پانل دلفی جامعه آماری اولیه متشکل از ۱۱ نفر از متخصصان مقوله بازآفرینی و آگاه از اهداف و شیوه اجرای آن انتخاب گردیده‌اند و طی دو دوره زمانی مختلف به دریافت نظریات این صاحب‌نظران پرداخته شده است. در این پژوهش همزمان با شناسایی و تعیین اعضای پانل و توضیح برخی مؤلفه‌های استخراج شده در مبانی نظری، از آنان خواسته شد تا مؤلفه‌هایی که احیاناً مدنظر قرار نگرفته‌اند، پیشنهاد دهند و به تدریج عوامل مؤثر بر آموزش تدوین گردیده‌اند. در نهایت با تعیین تأثیرگذارترین رویکرد آموزش محور در بافت تاریخی شیواز که آموزش ساکنان می‌باشد و سپس تعیین مؤلفه‌های بازآفرینی شهری تأثیرپذیر از آموزش بانوان ساکن، پس از دستیابی به اتفاق نظر با هدف تعیین میزان آن از ضریب هماهنگی کندال استفاده شده است. در ادامه با تدوین مؤلفه‌های تعیین شده، سنجش میزان تأثیرگذاری آموزش بر بانوان ساکن در محله از طریق تکمیل پرسشنامه انجام شده است. نمونه موردی محدوده محله تاریخی سنگ‌سیاه از بافت قدیم شیواز انتخاب شده و تعداد ۱۱۲ پرسشنامه براساس روش نمونه‌گیری تصادفی (در حدود ۱۰ درصد از جمعیت بانوان بین ۱۸ تا ۵۰ سال تبعه ایران ساکن در این محدوده به عنوان متغیرهای کنترل) در این محله تکمیل شده است. همچنین برای سنجش اعتبار، از اعتبار محتوا (دریافت تأیید پرسشنامه از اساتید پیش از اجرا) و برای تعیین پایایی سؤال‌های پرسشنامه از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده که حصول رقم ۰/۸۱۷ حاکی از پایایی بالای پرسشنامه بوده است. در نهایت برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از آزمون T برای تست فرضیه استفاده شده و برای سنجش میزان تأثیرگذاری آموزش بر بانوان براساس تفاوت‌های موجود در ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان، از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده و در نهایت برای اولویت‌بندی مؤلفه‌های تأثیرپذیر از آموزش در فرآیند بازآفرینی از آزمون فریدمن استفاده شده است.

۴. بحث و یافته‌های تحقیق

در این بخش ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی، سازمان فضایی و کالبدی و همچنین ویژگی‌های فرهنگی ملموس و ناملموس محله سنگ‌سیاه به صورت تحلیلی ارائه خواهد شد تا با شناخت تحلیلی پتانسیل‌های ارزشمندی مکان، به بررسی نظرات ساکنان در باب تأثیر آموزش بر فرآیند بازآفرینی شهری، پرداخته شود.

۴.۱. تحلیل ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی محدوده

محله سنگ‌سیاه واقع در پهنه جنوب‌غربی بافت تاریخی شهر شیواز (تصویر شماره ۱)، با جمعیتی بالغ بر شش هزار و ۹۸۲ نفر در قالب هزار و ۸۸۷ خانوار طی دهه‌های اخیر توسعه شهری با مشکلات عدیده اجتماعی روبه‌رو بوده است. در میان شاخص‌های اجتماعی و جمعیتی ساکنان محله سنگ‌سیاه می‌توان به شاخص خانوار در واحد مسکونی اشاره کرد که برابر با ۱/۵۷ می‌باشد. همچنین رقم شایان توجه میزان باسوادی در زنان ساکن در این محله تنها برابر با ۷۸/۵ درصد است. حدود ۲۰ درصد از زنان ساکن

در این محله را مهاجران افغان تشکیل می‌دهند و این رقم درکل با در نظر گرفتن میزان مهاجران مرد و زن، بالغ بر ۲۰ درصد ساکنان محله را شامل می‌شود. نسبت اشتغال زنان نیز ۶٫۳ می‌باشد که در مقابل میزان ۶۲ درصدی اشتغال مردان، رقم ناچیزی به شمار می‌رود (جدول شماره ۱).

در میان ساکنان محله سنگ‌سیاه در حدود ۵۰ درصد کمتر از ۱۰ سال در محله سابقه سکونت دارند. حس عدم امنیت بر اساس ابراز ساکنان، در نواحی غربی محله شدت کمتری نسبت به نواحی شرقی دارد و همچنین درجه میزان توسعه‌یافتگی بر اساس شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی در محدوده غربی محله بالاتر است و به سمت شرق محله از این میزان کاسته می‌شود.

به طور کلی ویژگی مهم محله سنگ‌سیاه به لحاظ اجتماعی برخورداری از سابقه تاریخی است و نقش غالب سکونتی آن منجر به محافظت کالبدی بیشتری در این بافت گردیده است. در مقابل مهم‌ترین مسائل اجتماعی بافت تراکم بالای جمعیت در حدود ۲۳۶٫۹ نفر در هکتار می‌باشد و همچنین نسبت جنسی بالا، وجود

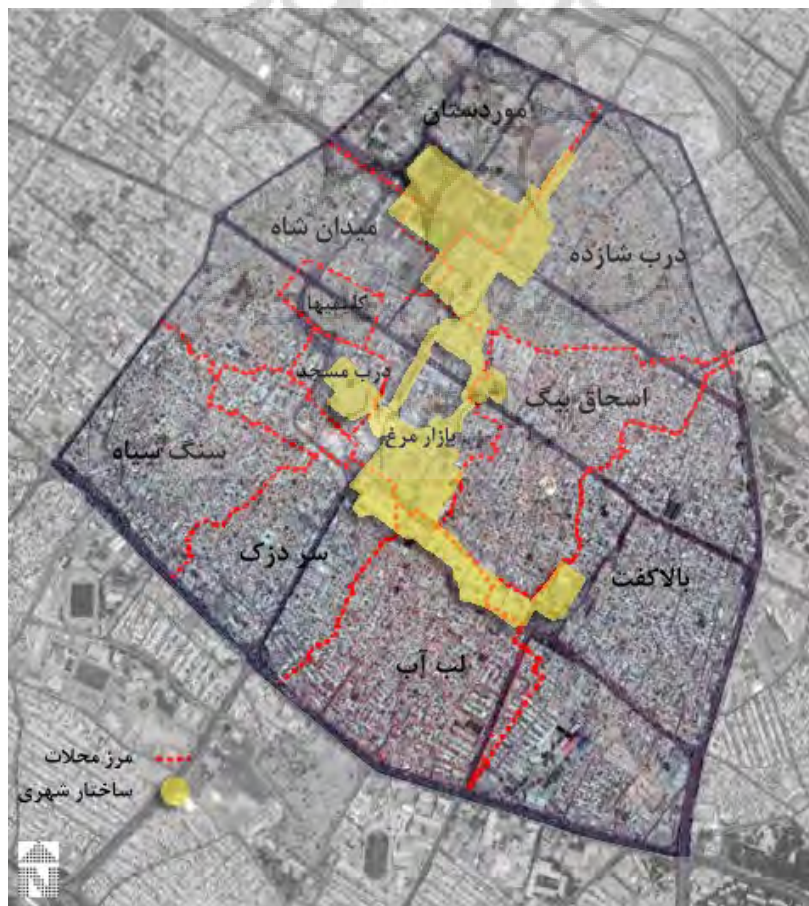
پهنه‌های افغانی‌نشین، شاخص خانوار در واحد مسکونی بالا، تمایل به سکونت در اقشار کم‌درآمد در محله، وجود آسیب‌های اجتماعی بالا و فقدان امنیت اجتماعی به دلیل وجود مراکز ترک اعتیاد دولتی درون محله از جمله مشکلات موجود بر سر راه بازآفرینی شهری می‌باشند.

۴٫۲. شناخت ویژگی‌های فرهنگی ملموس و ناملموس موجود در محله سنگ‌سیاه

شناخت ویژگی‌های فرهنگی ملموس و ناملموس موجود در محله سنگ‌سیاه از بافت تاریخی، از این نظر حائز اهمیت است که بازآفرینی در محدوده‌های هدف مستلزم تدوین برنامه‌های رشد اقتصادی و اشتغالزایی در میان ساکنان محدوده است تا در عین کسب منفعت از فرآیند بازآفرینی اهداف طرح محقق گردد و رونق گردشگری، ایجاد امنیت در بافت، اصلاح بافت جمعیتی ساکن، ارزش افزوده املاک و نهایتاً مشارکت مردم در اجرای طرح‌های باز آفرینی به وقوع بپیوندد.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی محله سنگ‌سیاه - سال ۱۳۹۰ (Pardaraz, 2014)

| تراکم جمعیتی | نسبت اشتغال کل | نسبت مهاجران کل | باسوادی کل | شاخص خانوار در واحد مسکونی | شاخص نفر در واحد مسکونی | تعداد واحد مسکونی | بعد خانوار | تعداد خانوار | جمعیت بانوان | نسبت جنسی | جمعیت کل |
|--------------|----------------|-----------------|------------|----------------------------|-------------------------|-------------------|------------|--------------|--------------|-----------|----------|
| ۲۳۶٫۹ | ۳۶٫۳ | ۲۱ | ۸۲٫۱ | ۱٫۵۷ | ۵٫۸ | ۱۲۰۳ | ۳٫۷ | ۱۸۸۷ | ۱۶۲۵ | ۱۱۴٫۱ | ۶۹۸۲ |



تصویر شماره ۱: سازمان فضایی بافت تاریخی شیراز (Pardaraz, 2014)

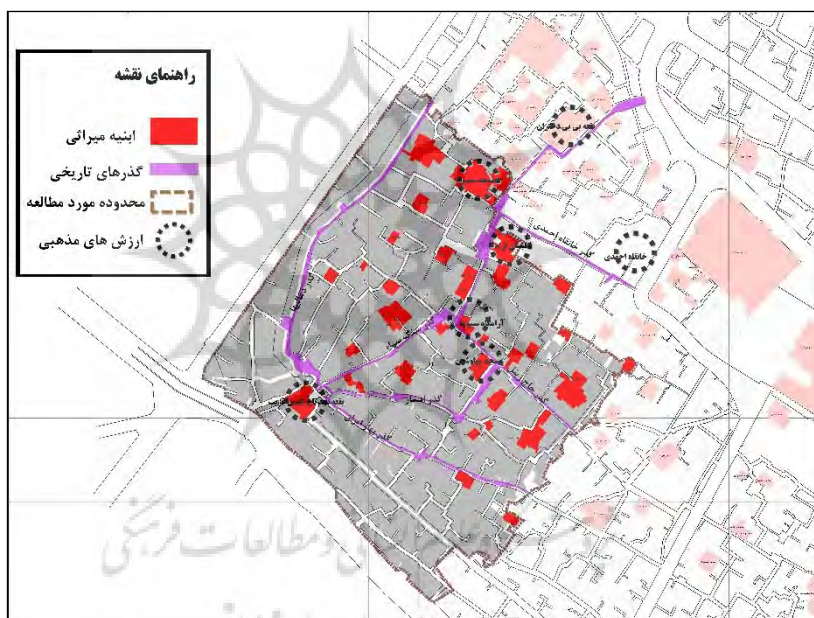
۴,۳. تبیین میزان اثرگذاری آموزش به بانوان در فرآیند بازآفرینی شهری در بافت تاریخی شیراز از دیدگاه خبرگان

در پژوهش حاضر، روش دلفی در مجموع در دو دوره زمانی مختلف به انجام رسید که در این بخش یافته‌های نهایی ارائه می‌گردد. پرسش‌های انجام شده شامل چهار دسته‌بندی کلی در خصوص میزان تأثیرگذاری راهبردهای آموزشی، مقوله‌های تأثیرپذیر، محتوای آموزشی تأثیرگذار و همچنین میزان تأثیرپذیری طیف بانوان از آموزش‌ها در فرآیند بازآفرینی شهری می‌باشند و این چهار مقوله در برگزیده هجده عامل مرتبط با آموزش هستند که میزان تأثیرگذاری هر یک بر فرآیند بازآفرینی شهری سنجیده خواهد شد. به منظور محاسبه میزان هماهنگی براساس طیف لیکرت پنج‌گانه، میزان تأثیرگذاری هر عامل تعیین گردیده، میانگین و انحراف از معیار هر یک نیز تبیین شده و در نهایت با استفاده از ضریب میزان هماهنگی کندال، در هر دو این میزان ارائه گردیده است. در نهایت براساس میانگین امتیاز عوامل در دور آخر، به غربال آیت‌ها پرداخته خواهد شد. بدین صورت که برای طیف

بنابراین توجه به نقاط قوت موجود در بافت و امکانات جذب گردشگر و رونق اقتصادی در بافت به طور مستقیم با میراث ملموس و ناملموس موجود در آن ارتباط پیدا می‌کند. به تعبیر دیگر می‌توان حتی با استفاده از میراث ناملموس به کسب منفعت عینی و ملموس دست یافت.

مبانی ارزشمندی محله سنگ‌سیاه در بافت تاریخی شهر شیراز (تصویر شماره ۲) را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی نمود: (Pardaraz, 2014)

۱. ارزش‌های تاریخی به اعتبار وجود بناهای میراثی و گذرهای تاریخی دوره زندیه و قاجار و عرصه‌های رویدادهای فرهنگی،
۲. ارزش‌های مذهبی به دلیل وجود بقاع متبرکه،
۳. ارزش‌های اجتماعی به اعتبار وجود عرصه‌های مورد اقبال جمعی،
۴. ارزش‌های ساختاری: هماهنگی ساختار کالبدی محلات با ساختار کلان محدوده و
۵. ارزش‌های کارکردی در مقیاس شهر.



تصویر شماره ۲: موقعیت مکانی آثار ارزشمند تاریخی و فرهنگی محله سنگ سیاه

محله برای بانوان در فرآیند بازآفرینی شهری پایدار تأثیر کمی دارد. بدین ترتیب همانگونه که مشاهده می‌شود، تأثیرگذارترین راهبرد در میان راهبردهای آموزش در فرآیند بازآفرینی شهری، آموزش به ساکنان تشخیص داده شده است. همچنین بنا به تشخیص خبرگان و متخصصان بازآفرینی شهری آموزش بر بهبود وضعیت معیشت ساکنان بیشترین تأثیر را خواهد گذاشت. در میان مؤلفه‌ها و محتوای برشمرده شده برای انجام آموزش، به صورت عام و صرف نظر از جنسیت و سن افراد ساکن، آموزش‌های مرتبط با مهارت‌آموزی با هدف ارائه خدمات به گردشگران بالاترین امتیاز را کسب نموده و آموزش به بانوان ساکن در محله در قالب مهارت‌های زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده است که نشان می‌دهد به زعم متخصصان

۵ درجه، میانگین زیر ۴ مبنای حذف عوامل است (Habibi & et al, 2007:7). همانگونه که در جدول زیر مشاهده می‌گردد، طی دو دور انجام شده، مقدار ۰/۴۴۲ به میزان ضریب یاد شده اضافه شده و در نهایت میزان نهایی این ضریب ۰/۵۴۲۸ محاسبه گردیده است که نشان از اتفاق نظر بالاتر از متوسط دارد (جدول شماره ۲). با توجه به اطلاعات به دست آمده در جدول ۲ دورویکرد دسترسی به آموزش عمومی و استقرار دانشگاه‌ها در بافت، به دلیل کسب امتیاز پایین‌تر از عدد ۴ (براساس قوانین طیف لیکرت ۵ گانه) حذف می‌گردند. همچنین به زعم متخصصان، آموزش با هدف تقویت تعامل ساکنان با گردشگران و ارتقای فرهنگ شهروندی بر فرآیند بازآفرینی شهری، همچنین تأثیرگذاری اندک آموزش‌های مهارتی با هدف ارائه خدمات به گردشگران و آشنایی با ویژگی‌های

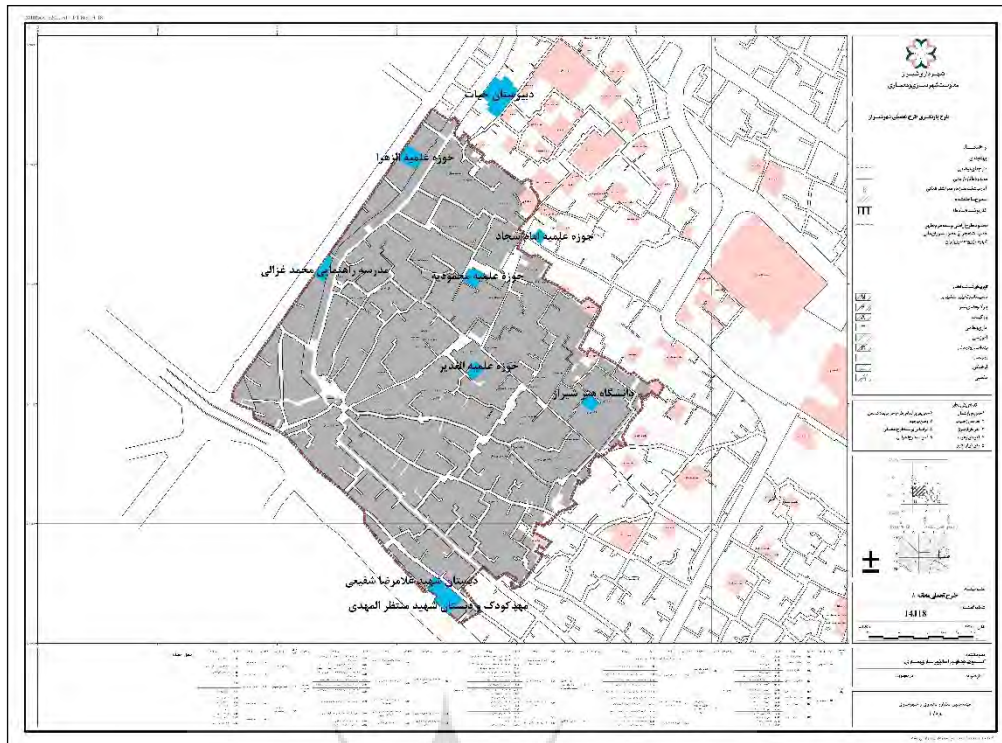
جدول شماره ۲: تعیین ضریب کندهال برای بررسی میزان اتفاق نظر خبرگان

| ردیف | پرسش اساسی | عوامل | امتیازات دور نخست | | | | امتیازات دور دوم | | | |
|---------|---|---|----------------------|------------------------|--------------------------------|--|----------------------|------------------------|--------------------------------|--|
| | | | مجموع R _j | میانگین R ⁻ | R _j -R ⁻ | (R _j -R ⁻) ² | مجموع R _j | میانگین R ⁻ | R _j -R ⁻ | (R _j -R ⁻) ² |
| ۱ | در فرآیند بازآفرینی شهری میزان تأثیرگذاری این راهبردهای مرتبط با آموزش را چه حد می‌دانید؟ | تأمین دسترسی به کاربری‌های آموزشی | ۴۱ | ۳,۷۳ | ۳۷,۲۷ | ۱۳۸۹,۲۶ | ۴۳ | ۳,۹۱ | ۳۹,۰۹ | ۱۵۲۸,۰۳ |
| | | تشویق حضور دانشگاه‌ها در بافت | ۴۳ | ۳,۹۱ | ۳۹,۰۹ | ۱۵۲۸,۱۰ | ۴۴ | ۴ | ۴۰ | ۱۶۰۰ |
| | | ارائه آموزش به ساکنان | ۵۲ | ۴,۷۳ | ۴۷,۲۷ | ۲۲۳۴,۷۱ | ۵۲ | ۴,۷۳ | ۴۷,۲۷ | ۲۲۳۴,۴۵ |
| | | ارائه آموزش به مدیران | ۵۰ | ۴,۵۵ | ۴۵,۴۵ | ۲۰۶۶,۱۲ | ۵۱ | ۴,۶۴ | ۴۶,۳۶ | ۲۱۴۹,۲۵ |
| ۲ | ارائه آموزش در فرآیند بازآفرینی شهری در بافت تاریخی بر روی مؤلفه‌های مقابل چه میزان تأثیر خواهد داشت؟ | شناخت ارزش‌های بافت تاریخی | ۴۹ | ۴,۴۵ | ۴۴,۵۵ | ۱۹۸۴,۳۰ | ۵۱ | ۴,۶۴ | ۴۶,۳۶ | ۲۱۴۹,۲۵ |
| | | تقویت تعامل ساکنان با گردشگران | ۲۱ | ۱,۹۱ | ۱۹,۰۹ | ۳۶۴,۴۶ | ۳۸ | ۳,۴۵ | ۳۴,۵۵ | ۱۱۹۳,۷ |
| | | ارتقای فرهنگ شهروندی در بافت | ۴۰ | ۳,۶۴ | ۳۶,۳۶ | ۱۳۲۲,۳۱ | ۴۳ | ۳,۹۱ | ۳۹,۰۹ | ۱۵۲۸,۰۳ |
| | | بهبود وضعیت معیشت و اقتصادی ساکنان | ۵۲ | ۴,۷۳ | ۴۷,۲۷ | ۲۲۳۴,۷۱ | ۵۲ | ۴,۷۳ | ۴۷,۲۷ | ۲۲۳۴,۴۵ |
| ۳ | از میان انواع آموزش برشمرده شده، میزان تأثیرگذاری هر یک را در فرآیند بازآفرینی شهری چقدر می‌دانید؟ | آموزش‌های مهارت‌آموزی و ارائه خدمات به گردشگران | ۴۰ | ۳,۶۴ | ۳۶,۳۶ | ۱۳۲۲,۳۱ | ۴۸ | ۴,۳۶ | ۴۳,۶۴ | ۱۹۰۴,۴۵ |
| | | آشنایی با ویژگی‌های محله و حفاظت از محله | ۴۵ | ۴,۰۹ | ۴۰,۹۱ | ۱۶۷۳,۵۵ | ۴۶ | ۴,۱۸ | ۴۱,۸۲ | ۱۷۴۸,۹۱ |
| | | فرهنگ شهروندی در بافت | ۴۴ | ۴,۰۰ | ۴۰,۰۰ | ۱۶۰۰,۰۰ | ۴۷ | ۴,۲۷ | ۴۲,۷۳ | ۱۸۲۵,۸۵ |
| | | مهارت‌های زندگی و خانواده محوری | ۴۵ | ۴,۰۹ | ۴۰,۹۱ | ۱۶۷۳,۵۵ | ۴۵ | ۴,۰۹ | ۴۰,۹۱ | ۱۶۷۳,۶۳ |
| ۴ | میزان تأثیرگذاری آموزش‌های برشمرده شده را به بانوان، در فرآیند بازآفرینی شهری تا چه حد ارزیابی می‌کنید؟ | آموزش‌های بهداشتی و درمانی فردی و محیطی | ۴۶ | ۴,۱۸ | ۴۱,۸۲ | ۱۷۴۸,۷۶ | ۴۶ | ۴,۱۸ | ۴۱,۸۲ | ۱۷۴۸,۹۱ |
| | | آموزش‌های مهارت‌آموزی و ارائه خدمات به گردشگران | ۴۱ | ۳,۷۳ | ۳۷,۲۷ | ۱۳۸۹,۲۶ | ۴۲ | ۳,۸۱ | ۳۸,۱۹ | ۱۴۵۸,۴۸ |
| | | آشنایی با ویژگی‌های محله و حفاظت از محله | ۳۸ | ۳,۴۵ | ۳۴,۵۵ | ۱۱۹۳,۳۹ | ۳۸ | ۳,۴۵ | ۳۴,۵۵ | ۱۱۹۳,۷ |
| | | فرهنگ شهروندی در بافت | ۴۲ | ۳,۸۲ | ۳۸,۱۸ | ۱۴۵۷,۸۵ | ۴۴ | ۴ | ۴۰ | ۱۶۰۰ |
| | | آموزش‌های زندگی و خانواده محوری | ۵۰ | ۴,۵۵ | ۴۵,۴۵ | ۲۰۶۶,۱۲ | ۵۰ | ۴,۵۵ | ۴۵,۴۵ | ۲۰۶۵,۷ |
| | | آموزش‌های بهداشتی و درمانی فردی و محیطی | ۴۹ | ۴,۴۵ | ۴۴,۵۵ | ۱۹۸۴,۳۰ | ۴۹ | ۴,۴۶ | ۴۴,۵۴ | ۱۹۸۳,۸۱ |
| مقدار W | | | ۰,۴۹۸۶ | | | | ۰,۵۴۲۸ | | | |

فرآیند بازآفرینی شهری به زعم متخصصان، فرآیند بازآفرینی درون بافت تاریخی و محله سنگ‌سیاه صورت نپذیرفته‌است. از این رو برای بررسی میزان تأثیرگذاری آموزش به ساکنان در قالب رویکرد سوم از رابطه میان آموزش و بازآفرینی شهری، مجموعه پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه‌های اولیه در تکنیک دلفی معتقد به کارایی و اثربخشی آموزش‌هایی به ساکنان بوده‌اند؛ بدین صورت که همزمان با آموزش به ساکنان، به مدیران و کارشناسان مجموعه مدیریت شهری نیز در خصوص بازآفرینی شهری پایدار آموزش‌هایی داده شود و نیز درصد بالایی از متخصصان معتقد به انجام آموزش‌های غیرمستقیم به ساکنان و به ویژه بانوان بوده‌اند. بدین ترتیب با توجه به نتایج به دست آمده در محدوده محله سنگ‌سیاه تأثیرگذارترین رویکرد مرتبط با آموزش در فرآیند بازآفرینی شهری، آموزش به ساکنان است.

بازآفرینی شهری، تأثیرگذارترین نوع آموزش به بانوان با هدف حصول به دستاوردهای بازآفرینی شهری، معطوف به آموزش‌های اجتماعی است.

براساس نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه رابطه آموزش و بازآفرینی شهری، مؤلفه دسترسی عادلانه به کاربری‌های آموزش عمومی یکی از رویکردهای سه‌گانه بوده است. در محله مورد مطالعه، دسترسی به این دسته از کاربری‌ها به صورت مطلوب وجود دارد و تصویر شماره ۳ موقعیت مکانی دبستان‌ها، مدارس راهنمایی و دبیرستان را نشان می‌دهد. رویکرد دوم اتخاذ شده در فرآیند بازآفرینی شهری، استقرار دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی درون بافت‌های تاریخی بوده است که این دسته از کاربری‌ها نیز در محدوده مورد مطالعه شامل دانشکده مرمت دانشگاه هنر شیراز و همچنین تعداد سه حوزه علمیه مستقر در بافت می‌باشد (تصویر شماره ۳). اما با وجود برخورداری این بافت از دو عامل مؤثر در



تصویر شماره ۳: موقعیت مکانی کاربری‌های آموزشی، آموزش عالی و حوزه‌های علمیه در محله

۴.۴.۴. آزمون فرضیه نخست

«آموزش به بانوان در محدوده بافت تاریخی تأثیر مثبت بر روند اجرایی شدن برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار دارد.»
با هدف بررسی تأثیر آموزش به بانوان، نظرات ایشان طی تکمیل پرسشنامه‌هایی دریافت گردید. در این خصوص آموزش‌های چهارگانه فرهنگ شهروندی، شناخت ارزش‌های بافت تاریخی و محافظت از آن، مسائل بهداشت فردی و محیطی و حفاظت از محیط زیست، مهارت‌آموزی و ارائه خدمات به گردشگران، به عنوان متغیرهای مستقل و دستاوردهای بازآفرینی شهری پایدار شامل رویکرد حفاظت محور و مرمت شهری به کالبد بافت در میان ساکنان، تقویت روحیه مشارکت‌پذیری در میان اجتماع ساکن، وضع اقتصادی رو به بهبود از طریق کسب درآمد با ارائه خدمات به گردشگران و محیط زیست عاری از آلودگی، در مقابل به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده‌اند. متغیرهای کنترل نیز شامل تابعیت افراد و سن بانوان پاسخ دهنده بوده است؛ به‌گونه‌ای که افراد با تابعیت ایرانی و دارای سن بین ۱۸ تا ۵۰ سال انتخاب گردیده‌اند. به منظور آزمون فرضیه از آزمون T استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۳ و نتایج به دست آمده از پرسشنامه، نتایج آزمون T، میانگین اثرگذاری آموزش بر مؤلفه‌های بازآفرینی شهری پایدار را ۵٫۶۵ نشان می‌دهد که بزرگتر از میانگین آماری "۳" است و این تفاوت در سطح یک درصد معنادار شد. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود که میزان تأثیرگذاری آموزش بر اجرایی شدن بازآفرینی شهری در نمونه مورد مطالعه، بالاتر از حد متوسط است (جدول شماره ۳). علاوه بر آن در جدول شماره ۴ نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که مؤلفه زیست محیطی به بالاترین میانگین رتبه دست یافته است و بیشترین تأثیرپذیری را از ارائه آموزش به ساکنان دارد و در مقابل مؤلفه کالبدی با کمترین میانگین رتبه دارای کمترین تأثیرپذیری از اجرای آموزش‌ها به بانوان است. بنابراین تأثیرپذیری مؤلفه‌های بازآفرینی شهری از آموزش به بانوان ساکن در محدوده هدف به ترتیب اولویت برابر است با:

- ۱- مؤلفه‌های زیست محیطی،
- ۲- مؤلفه‌های اجتماعی،
- ۳- مؤلفه‌های اقتصادی و
- ۴- مؤلفه‌های کالبدی (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۳: بررسی تأثیر آموزش بر فرآیند بازآفرینی شهری پایدار در بافت تاریخی شیراز با استفاده از آزمون T

| متغیرهای وابسته | میانگین | آماره T | درجه آزادی | سطح معناداری |
|-----------------------|---------|---------|------------|--------------|
| مؤلفه‌های کالبدی | ۳٫۲۲ | ۳٫۱۵۱ | ۱۱۱ | ۰٫۰۰۲ |
| مؤلفه‌های اجتماعی | ۳٫۴۴ | ۳٫۴۳۵ | ۱۱۱ | ۰٫۰۰۰ |
| مؤلفه‌های اقتصادی | ۳٫۱۶ | ۱٫۵۴۳ | ۱۱۱ | ۰٫۱۲۶ |
| مؤلفه‌های زیست محیطی | ۳٫۶۱ | ۸٫۳۴ | ۱۱۱ | ۰٫۰۰۰ |
| بازآفرینی شهری پایدار | ۳٫۳۶ | ۵٫۶۵ | ۱۱۱ | ۰٫۰۰۰ |

جدول شماره ۴: اولویت بندی میزان تأثیرگذاری در میان مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار از آموزش براساس آزمون فریدمن

| متغیرها | میانگین رتبه | اولویت | آماره خی دو | درجه آزادی | سطح معناداری |
|----------------------|--------------|--------|-------------|------------|--------------|
| مؤلفه های کالبدی | ۳,۲۲ | ۴ | ۲۴,۶۴۲ | ۳ | ۰,۰۰۰ |
| مؤلفه های اجتماعی | ۳,۴۴ | ۲ | | | |
| مؤلفه های اقتصادی | ۳,۱۶ | ۳ | | | |
| مؤلفه های زیست محیطی | ۳,۶۱ | ۱ | | | |

۴,۵. آزمون فرضیه دوم

دارد زیرا ($P < /05$) است. بنابراین تحلیل، میزان تأثیرگذاری آموزش بر افراد با ویژگی های مختلف، متفاوت است. همانگونه که مشاهده می شود بیشترین تفاوت تأثیرگذاری براساس سن افراد مشاهده می گردد و کمترین ویژگی فردی مؤثر مالکیت مسکن است. از طرف دیگر بین تأثیرپذیری ویژگی های زیست محیطی از آموزش در میان تحصیل کردگان، شاغلان و کسانی که مدت اقامت بیشتری در محله دارند، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و همچنین آموزش مسائل فرهنگی و اجتماعی صرف نظر از ویژگی های فردی، دارای تأثیر بالایی بر فرآیند بازآفرینی شهری است (جدول شماره ۵).

«بین میزان تأثیر آموزش بر مؤلفه های بازآفرینی شهری به لحاظ ویژگی های فردی (وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات، وضعیت مالکیت، مدت اقامت در محله و سن) تفاوت وجود دارد.» نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم، با استفاده از روش تحلیل واریانس یک طرفه، در جدول شماره ۵ ارائه شده است. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول شماره ۵ نشان می دهد که بین مؤلفه های تأثیرپذیر بازآفرینی شهری پایدار از آموزش بانوان از نظر نمونه مورد مطالعه، به لحاظ ویژگی های اجتماعی و جمعیتی، تفاوت معناداری در برخی مؤلفه ها وجود

جدول شماره ۵: بررسی میزان تأثیر آموزش بر فرآیند بازآفرینی شهری پایدار در محدوده مورد مطالعه به لحاظ ویژگی های اجتماعی و اقتصادی با استفاده از تحلیل واریانس یک طرفه

| وضعیت اشتغال | متغیر | | آماره F | درجه آزادی | سطح معناداری |
|---------------|---------------------------------|---------------------------------|-----------------------|-----------------------|--------------|
| | کالبدی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | | | |
| وضعیت اشتغال | کالبدی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | ۲,۱۷۲ | $df_2=97$ و $df_1=11$ | ۰,۰۱۴ |
| | اجتماعی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | ۲,۰۳۹ | $df_2=84$ و $df_1=19$ | ۰,۰۰۷ |
| | اقتصادی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | ۲,۰۸۱ | $df_2=12$ و $df_1=99$ | ۰,۰۲۵ |
| | زیست محیطی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 2.484 | $df_2=6$ و $df_1=104$ | ۰,۰۲۱ |
| میزان تحصیلات | متغیر | | آماره F | درجه آزادی | سطح معناداری |
| | کالبدی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | | | |
| | کالبدی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 1.502 | $df_2=97$ و $df_1=11$ | ۰,۱۲۵ |
| | اجتماعی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 1.054 | $df_2=84$ و $df_1=19$ | ۰,۴۱۳ |
| اقتصادی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 1.386 | $df_2=12$ و $df_1=99$ | ۰,۱۸۶ | |
| زیست محیطی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 1.652 | $df_2=6$ و $df_1=104$ | ۰,۱۲۹ | |
| وضعیت مالکیت | متغیر | | آماره F | درجه آزادی | سطح معناداری |
| | کالبدی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | | | |
| | کالبدی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 0.946 | $df_2=97$ و $df_1=11$ | ۰,۵۱۴ |
| | اجتماعی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 1.218 | $df_2=84$ و $df_1=19$ | ۰,۲۴۵ |
| اقتصادی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 1.082 | $df_2=12$ و $df_1=99$ | ۰,۳۸۳ | |
| زیست محیطی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 1.165 | $df_2=6$ و $df_1=104$ | ۰,۲۳۰ | |
| مدت اقامت | متغیر | | آماره F | درجه آزادی | سطح معناداری |
| | کالبدی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | | | |
| | کالبدی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 0.740 | $df_2=97$ و $df_1=11$ | ۰,۷۲۹ |
| | اجتماعی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 1.147 | $df_2=84$ و $df_1=19$ | ۰,۳۱۱ |
| اقتصادی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 1.449 | $df_2=12$ و $df_1=99$ | ۰,۱۵۷ | |
| زیست محیطی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 1.550 | $df_2=6$ و $df_1=104$ | ۰,۱۵۹ | |
| سن | متغیر | | آماره F | درجه آزادی | سطح معناداری |
| | کالبدی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | | | |
| | کالبدی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | 3.905 | $df_2=97$ و $df_1=11$ | ۰,۰۰۰ |
| | اجتماعی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | ۱,۷۲۶ | $df_2=84$ و $df_1=19$ | ۰,۰۳۰ |
| اقتصادی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | ۳,۳۴۳ | $df_2=12$ و $df_1=99$ | ۰,۰۰۰ | |
| زیست محیطی | مؤلفه های بازآفرینی شهری پایدار | ۲,۶۴۴ | $df_2=6$ و $df_1=104$ | ۰,۰۱۵ | |

۵. جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادها

اتخاذ رویکرد بازآفرینی شهری پایدار در محدوده های بافت تاریخی که دارای مسائل پیچیده و منحصر به فرد هستند، نیازمند ظرفیت سازی هم در میان مجموعه مدیریت شهری و هم اجتماع ساکنان است. این ظرفیت سازی طیفی از اقدامات را در بر می گیرد که ارائه آموزش های مرتبط با موضوع، رکن اساسی آن را تشکیل می دهد. در این میان از آنجایی که بانوان ساکن در یک محدوده ساعات بیشتری را درون محله به سر می برند و از طرفی میزان تأثیرگذاری بیشتری در تربیت نسل های آینده خانواده ها دارند، به عنوان جامعه هدف سنجش میزان تأثیر آموزش بر اجرایی شدن برنامه های بازآفرینی شهری در نظر گرفته شده اند. با مقایسه نتایج حاصل از اجماع نظر خبرگان از یک سو و جمع آوری و تحلیل دیدگاه های بانوان ساکن در محله مورد مطالعه از سوی دیگر، مشاهده می گردد که براساس دیدگاه خبرگان مؤثرترین رویکرد بازآفرینی شهری آموزش محور، آموزش به ساکنان است و مؤلفه های تأثیرپذیر بازآفرینی از آموزش شامل مؤلفه های اجتماعی، کالبدی، زیست محیطی و اقتصادی هستند که با سنجش دیدگاه های بانوان ساکن در محله مورد مطالعه مشخص گردید تأثیرپذیرترین مؤلفه های بازآفرینی در اثر آموزش به بانوان به ترتیب اولویت مؤلفه های زیست محیطی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی می باشند. با توجه به تحلیل صورت گرفته بر روی آماره T در قیاس با میانگین نمونه گیری شده، در نتیجه کسب میانگین آماری بالاتر از عدد ۳ برای هر چهار مؤلفه، چنین نتیجه گیری می شود که میزان تأثیرگذاری آموزش به بانوان در نمونه مورد مطالعه بر هر چهار مؤلفه بازآفرینی شهری بالاتر از حد متوسط است. همچنین براساس یافته های پژوهش مشخص گردید که اختلاف در ویژگی های فردی پاسخ دهندگان، تأثیرگذاری آموزش بر اجرایی شدن برنامه های بازآفرینی شهری پایدار را تغییر می دهد و در این میان عامل سن بالاترین تأثیر را در نتایج خواهد داشت. بنابراین در جمع بست مقاله در راستای رسیدن به اهداف بازآفرینی شهری پایدار، بر ارائه آموزش های عمومی به ساکنان محلات هدف و خصوصاً بانوان تأکید می گردد تا بتوان به ارتقای نقش مردم و محوریت اجتماعات محلی دست یافت. بدین ترتیب پیشنهاد می گردد که در فرآیند هدف گذاری برنامه های بازآفرینی شهری پایدار در محدوده های تاریخی آموزش ساکنان به عنوان رکن اساسی موفقیت در فرآیند یاد شده تلقی گردد. همچنین به منظور توسعه رویکرد نظری مورد مطالعه پیشنهاد می گردد دوره های سنی متفاوت به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شوند و بازخوردهای آموزش به ساکنان در میان آنها در قالب سنجش میزان تأثیرگذاری بر فرآیند بازآفرینی شهری پایدار صورت پذیرد.

References:

- Andre I. et al., (2012). Learning for and from city: The role of education in urban social cohesion, Belgium: Belgian Journal of Geography, Vol.4.
- Bahreyni, H. and Izadi, M. and Mofidi, M., (2014). Approaches and Policies of Urban Renovation (from renovation to Sustainable Urban Regeneration), Motale'at Shahri Journal, No.9. PP. 17-29 [in Persian].
- Bianchini, F. and Ghilardi, L., (2007). Thinking culturally about place, in Place Branding and Public Diplomacy, Vol.3 .No. 4, October, Palgrave journals.
- Colantonio & Dixon, (2011). Urban Regeneration & Social Sustainability: Best Practice from European Cities, Wiley-Blackwell.
- Diamond, J. and et al, (2010). Urban Regeneration Management: International Perspective, Translated by Mojtaba Rafieean(2013), Tehran University Publication, Tehran [in Persian].
- Doyle, C., (2005). Sustainability, urban regeneration and Social inclusion, Sustainable development and planning II journal, Vol. 2, Glasgow Caledonian University, Scotland, UK, PP. 1343-1351.
- Friedman J. (1990). Empowerment: The politics of Alternative Development, Cambridge (MA), Blackwell.
- Habibi, K. and Pourahmad, A. and Meshkini, A., (2007). Old Urban zones renovation and improvement, 1st Publication, Kordestan University Publication and Urban Development and Revitalization Organization (UDRO), Tehran [in Persian].
- Heater.D., (2004). Brief History of Citizenship, New York University press, New York.
- Hull city Plan(2000), <http://www.hullcc.gov.uk>
- Isin, E. & Terner, B., (2002). Citizenship Studies: An Introduction, Sage publishing, London.
- Klein J.L. & Laurin S., (2005). Citoyennete active et conscience territoriale: perspectives pour un programme, 2nd ed, Saint-foy (Quebec), Presses de l'Universite du Quebec, pp.242-273.
- Lotfi, S., (2011). Culture-led Urban Regeneration: Studying on cultural bases and Regeneration Reaction, Honarhaye Ziba Journal, No.45, PP 47-60, Tehran [in Persian].

- Persian].
- Senkova, S., (2001). Urban Regeneration: Learning from the British experiences/Edited by Sasha tsenkova, University of Calgary, September/October.
 - Molaie, A. and Rezaie, A., (2011), Studying of relationship between Environmental laws and common Education principles, Thghight hoghooghi Azad Journal, No.12, PP. 215-262, Tehran [in Persian].
 - Mouffe, C., (1992). Dimensions of Radical Democracy: Pluralism, Citizenship, Community. London – New York: Verso.
 - Nejad Ebrahimi, A., Pourjafar, M., Ansari, M., Hanachi, P. (2013) Value and its Relation with Intervention Approach in Historical & Cultural Relics, Maremat & Memari-e Iran scientific journal, No. 6, pp.79-98, Isfahan [in Persian].
 - Ng, M.K. (2005). Quality of life perceptions and directions for urban regeneration in Hong Kong Social Indicator Research 71: 441-465.
 - Nourian, F. and Aryana, A., (2012). Analyzing How the Law Can Protect Participation in Urban Regeneration, Case Study: Imam Ali Square in Isfahan, Honarhaye Ziba Journal, Vol. 17, No.2, PP.15-27, Tehran [in Persian].
 - Pardaraz Engineer Consultant, (2014). Detailed Plan Review of Historic Zone in Shiraz, Shiraz [in Persian].
 - Porter, L. and Shaw, K., (2009). Whose Urban Regeneration?: An international comparison of Urban Regeneration Strategies, Translated by Manouchehr Tabibian (2012), Tehran University Publication [in Persian].
 - Pourahmad, A. ; Habibi, K. and Keshavarz, M., (2010), The evolution of the sustainable urban regeneration concept as a new approach in urban exhausted zones, Motale'at Shahri Journal, No.1. PP. 73-92 [in Persian].
 - Roberts P., (2000). The evolution, definition and purpose of urban regeneration, A handbook, British Urban Regeneration Association, SAGE Publications. London.
 - Roberts P. & Sykes H. (eds.), (2000). Urban Regeneration: A Handbook, London. Sage.
 - Rodwell, D., (2007). Conservation and Sustainability in Historic Cities, Translated by Pirooz hanachi and Yalda Shahteimoori (1993), Tehran University Publication, Tehran [in Persian].
 - Rogers, Richard G., (1993). Toward and Urban Renaissance, Translated by Mohammad S. Izadi (2014), Tehran University Publication, Tehran [in